



توتن‌ها از شاخ و برگ نی‌های حاشیه هامون بافته می‌شوند



توتن‌ها، قایق‌های ساده نیی هستند برای رفت و آمد در هامون

و در بین نیزارها و بر بستر امواج هامون تجمع می‌کردند و ما برای شکار آن‌ها (چه پرندگان و چه انواع ماهی‌ها) باید دورتر از ساحل به شکار می‌رفتیم و از توتن برای رسیدن به آن‌ها استفاده می‌کردیم». آقای خواجه حرف آقای شیخ را پی می‌گیرد و می‌گوید: «برای حرکت دادن توتن از چوبی به نام «پَچو» استفاده می‌کنیم که طول آن معمولاً ۴ متر بوده (بسته به عمق آب) و از چوب درخت گز که به وفور در این منطقه می‌روید برای ساخت آن استفاده می‌کردیم. در سال‌های اخیر معمولاً پچورا از نجاری‌ها و از چوب درخت سپیدار که از سایر شهرها وارد می‌شد تهیه می‌کنیم. چوب را کاملاً صیقل می‌دهیم تا هنگام استفاده به دست آسیب نرساند.

● **توتک‌ها باید خشک بشوند تا به کار ساخت توتن بیایند**
آقای شیخ به بالای پشت‌بام برخی خانه‌ها اشاره می‌کند که هنوز هم روی آن‌ها دسته‌های نی ذخیره شده؛ بعد ادامه می‌دهد: «برای بافت توتن کارگاه خاصی وجود نداشت و عموماً در حاشیه اطراف رودخانه یا دریاچه به بافت آن می‌پرداختیم». می‌گوید: «تقریباً تمامی ساکنان اطراف هامون بافت توتن را می‌دانستیم زیرا توتن یک نیاز اساسی برای امرار معاش ما بود، چه برای دامداران چه صیادان و حتی کشاورزان. توتن‌ها هم بسته به اندازه و ظرفیتشان یا باری بود یا صیادی. معمولاً خود توتک ۳ تا ۴ متر ارتفاع دارد. پس از برداشت توتک، آن‌ها را در هوای باز ذخیره می‌کردیم تا خشک شوند. توتک به محض خشک شدن آماده استفاده است، اما معمولاً به علت حجم زیاد توتک، هنگام برداشت مدت‌ها آن‌ها را انبار می‌کردیم و به وقت نیاز از آن‌ها استفاده می‌کردیم». ادامه می‌دهد: «توتک را بسته به مدتی که ذخیره کرده بودیم نام‌گذاری می‌کردیم. مثلاً توتک ۸ ساله یا ۱۴ ساله» و اضافه می‌کند: «بعضی از همین اهالی حاشیه هامون هنوز هم توتک ۸ یا ۱۴ ساله دارند».

● **هر توتک، سه بلومه است**
او توضیح می‌دهد: «برای ساخت توتن شکاری، توتک‌ها را به سه بلومه (دسته‌ای با میزان خاص، این اصطلاحی رایج میان توتن‌باغان است) تقسیم می‌کردیم که طول هر دسته به طور تقریبی ۳ متر بود. مقداری از توتک را هم در این دسته‌ها برای درست کردن فرم دماغه ابتدایی و انتهای توتن به طور اضافی در نظر می‌گرفتیم. دسته را به وسیله «چیلک» (طناب محکمی که از توتک در اندازه‌های مختلف بافته می‌شد) محکم کرده و پس از آن سه بلومه را کنار هم قرار داده، با همکاری چند توتن‌باف دیگر، آن‌ها را بسیار محکم به هم می‌بستیم، بلومه‌ها باید آن قدر محکم می‌شدند که به هیچ وجه تکان نخورند یا شل نشوند».

ادامه می‌دهد: «پس از پایان این مرحله سر توتن را با بافتن توتک‌های اضافی باریک‌تر از قسمت انتهایی توتن شکل می‌دادیم. قسمت جلو توتن برای حرکت بهتر در آب فرم تیزتری داشت و انتهای آن صاف بود. توتن‌های صیادی ما معمولاً گنجایش دو نفر را داشت و برای اینکه لباس خیس نشود، دو طرف آن را بالاتر از قسمت وسط آن می‌ساختیم که اصطلاحاً به توتن بود گاهی هم دودسته توتک را با حجم کم در دو طرف توتن وصل می‌کردیم».

می‌گوید: «توتن باری پنج بلومه می‌خواهد که به همان شیوه قبلی کنار هم قرار می‌گرفت و محکم می‌کردیم. این توتن‌ها معمولاً گنجایش ۱۰ نفر آدم یا سه شتر را داشت و برای حمل علوفه و دام از آن استفاده می‌شد. توتن را هر دو تا سه ماه عوض می‌کردیم، برای همین ذخیره کردن توتک برای ما لازم بود؛ چون توتن زود می‌پوسید و ما باید یک توتن دیگر می‌ساختیم».

● **حالا که نه آبی هست نه نیزاری**
آقای خواجه به سمت دریاچه نگاه می‌کند و می‌گوید: «حالا که نه آبی هست نه نیزاری و نه دامی و نه شکاری».

آقای سیستانی هم می‌گوید: وقتی آب نباشد نیزارها رشد نمی‌کنند و نمی‌شود توتن ساخت. آقای خواجه با کمی امید، به آب گرفتن چند سال پیش هامون اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی که آب آمد مردم بلافاصله با ذخیره توتکشان توتن ساختند و خیلی‌ها برای سوار شدن توتن در صف می‌ایستادند و فرصت کوتاهی بود که برخی از این راه‌پولی دریابورند».

آقای شیخ هم اضافه می‌کند: «حالا که آب کافی برای استفاده از این قایق سنتی نیست خیلی‌ها اقدام به ساخت توتن‌های کوچکی که جنبه دکوری دارند می‌کنند و مردم هم آن‌ها را برای یادگاری یا سوغات می‌خرند».

● در این خشکسالی توتن به چه کار می‌آید؟

از شهر هامون به سمت دریاچه پیش می‌رویم؛ در میانه رودی بزرگ اما خشکیده. آدرس آقای «علی‌شیخ» را پرسان پرسان پیدا می‌کنیم. او به همراه جمعی دیگر که میانگین سنشان بین ۶۰ تا ۷۰ سال است جلو درب خانه‌ای نشستند و گپ می‌زنند. هدف از سفرم را می‌گویم و او با لبخندی آغشته به اندوه می‌پرسد: «در این خشکسالی توتن به چه کار می‌آید؟».

می‌گویم: «شاید روزی دوباره آب به هامون بازگشت! شاید روزی کسانی بخواهند از نماد روزهای پررونق سیستان یعنی توتن چیزی بخوانند». می‌گوید: «تمام مردم این منطقه توتن‌بافی می‌دانند تنها من نیستم. کسانی که در حاشیه دریاچه هامون زندگی می‌کنند برای عبور و مرور یا حتی جابه‌جا کردن دام از بستر آب به این وسیله نیاز داشتند و همه ما توتن‌بافی را از پدرانمان نسل اندر نسل آموخته‌ایم».

پیش از آنکه در مورد بافت توتن برایمان صحبت کند از ایشان در مورد معنی واژه توتن می‌پرسم؛ می‌گوید: «توتن از نام گیاهی به اسم توتک (نام رایج محلی گیاه لوئی) گرفته شده است».

آقای سیستانی صحبت را تکمیل می‌کند و می‌گوید: ما توتن‌باغان از نام «توتو» استفاده می‌کنیم و توتن نام اشتباهی است که رایج شده است. پری‌راه نمی‌گوید آقای سیستانی؛ لهجه سیستانی در حاشیه دریاچه هامون کمتر دستخوش تغییر شده است.

● توتن در استان گلستان و مازندران هم بوده است

دلیل استفاده از این قایق را هم آقای خواجه این گونه شرح می‌دهد: «به دلیل وجود توتک فراوان در این منطقه (حاشیه دریاچه هامون) استقبال فراوانی توسط نسل‌های گذشته که کارشان صیادی و دامداری بوده، شده است و مطمئناً اکثر آن‌ها به بافت توتن واقف بودند و در واقع یک نیاز مهم برای زندگی در این ناحیه محسوب می‌شود، زیرا برای صید و جابه‌جا کردن دام و حمل علوفه از آن بهره می‌بردیم چون شغل اصلی مردم این منطقه صیادی و دامداری بوده است گرچه امروزه به خاطر نبود آب همه چیز در حال تغییر است و مردم به شغل‌های دیگر روی آورده‌اند. البته فراموش نشود که از توتن به ندرت در جاهای عمیق استفاده می‌شود زیرا امکان دارد در اثر موج‌های شدید واژگون شود».

آقای سیستانی اشاره می‌کند که «توتن علاوه بر سیستان (در ایران و افغانستان) در استان گلستان و مازندران نیز وجود داشته و یادارد». توضیح می‌دهد که: «به دلیل خشکسالی عده زیادی از سیستانی‌ها به خطه شمالی مهاجرت کرده‌اند و مدتی در آنجا از توتن استفاده کرده‌اند».

● تختک‌نشین‌ها بدون توتن، زندگیشان مختل می‌شده

از آقای شیخ می‌پرسم که بیشترین کاربرد توتن در کجا بوده و او می‌گوید: «تختک‌نشینان نیاز حیاتی به توتن داشته‌اند و بدون توتن زندگیشان دچار مخاطره می‌شد».

در مورد تختک چیز زیادی نمی‌دانم، آقای سیستانی متوجه می‌شود و آن را این گونه شرح می‌دهد: «در محدوده دریاچه هامون بلندی‌هایی به شکل مستطیل یا دایره وجود دارد که تختک نامیده می‌شود و در گذشته مأوا و مسکن قبایل مختلفی بوده است که با دام‌های گوناگون خود در آنجا زندگی کرده و علاوه بر تأمین علوفه دام‌ها، فعالیت‌های جانبی اقتصادی از قبیل ماهیگیری و حصیربافی داشته‌اند و برای رفت و آمد از توتن استفاده می‌کردند. همچنین در برخی از فصول که آب هامون بسیار بالا می‌آمده و تختک‌ها را فرا می‌گرفته ساکنان آن مجبور به ترک تختک‌ها می‌شده‌اند، رخدادی که در آخرین طغیان در سال ۶۹ نیز روی داد».

● با توتن به شکار ماهی‌ها و پرند‌ها می‌رفتیم

از آقای شیخ در مورد تنوع توتن می‌پرسم و ایشان این گونه پاسخ می‌دهد: «توتن دو نوع است؛ توتن باری و توتن صیادی. از توتن باری برای حمل بار و دام استفاده می‌کردیم، طولش به ۴ متر می‌رسد. به طوری که یک شتر یا گاو به راحتی با آن از روی دریاچه و یا رودخانه عبور می‌کند. توتن صیادی هم کوچک‌تر از توتن باری است و طول آن به ۲ متر می‌رسد».

می‌گوید: «یکی از راه‌های معیشتی ما در زمان پربابی هامون، صید پرندگان و انواع آبزیان بود. پرندگانی که بیشتر به این منطقه مهاجرت می‌کردند ماهیخوار بودند

تمام مردم این منطقه توتن‌بافی می‌دانند تنها من نیستم. کسانی که در حاشیه دریاچه هامون زندگی می‌کنند برای عبور و مرور یا حتی جابه‌جا کردن دام از بستر آب به این وسیله نیاز داشتند و همه ما توتن‌بافی را از پدرانمان، نسل اندر نسل آموخته‌ایم